The journey of thoughts related to the verses of usury; Relying on the context and historical atmosphere of the era of the revelation of the Quran

Mansur Pahlevan[1] *Seyyed Ahmad MirHashemi*[2]

Abstract

Among the emerging ideas that are not unrelated to the expansion of economic and social activities of the new age, the emergence of new ideas and interpretations about usury can be mentioned. Major efforts in this area include introducing new definitions of monetary issues, including interest rates and limiting usury to consumer or necessary loans. However, these new views and interpretations of the concepts of usury are not unlike the efforts of their predecessors on this serious issue: resorting to acceptable tricks in the Shari'a and finding exceptions to the usual economic activities. In adhering to or rejecting any of these cases, the Quranic concepts and principles of interpretation, including the context of the verses of usury along with the historical documents that indicate the type of activities of the era of the revelation of the Qur'an, should not be neglected. In this study, while examining the context and general atmosphere of the verses related to usury (a collection of verses that probably have a common semantic space), More is mentioned in the inner context of the verse; As a result of such a view, examining the verses of usury together (rather than the verses before and after in a surah) can answer many contemporary theories and practices in financial systems, including the banking industry.

Keywords: Verses of usury, thematic relationship, tricks of Usury, the context, the era of the revelation of the Quran.

1. Professor, University of Tehran, Nahj al-Balaghah Research Institute.
Email: pahlevan@ut.ac.ir.
2. PhD student in Comparative Interpretation, Nahj al-Balaghah Research Institute. (Responsible author)
Email: mirahmad14@gmail.com.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

«دوفصلنامه فرهنگ پژوهی اخلاق در جامعه اسلامی»

سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۳

سیر اندیشه‌های مرتبط با آیات ربا؛ با تکیه بر سیاق و فضای تاریخی عصر نزول قرآن

منصور پهلوان[۱]، سیداحمد میرهاشمی[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۱۹- تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۲/۴)

چکیده

در میان اندیشه‌های نوظهور که بی‌ارتباط با گسترش فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی عصر جدید نیست، ظهور اندیشه‌ها و تفاسیر جدید در خصوص ربا را می‌توان نام برد. عمده تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه شامل ارائه تعاریف جدید از مسائل پولی از جمله نرخ بهره و منحصر دانستن ربا در قرض‌های مصرفی یا ضروری است. با این حال این آرا و تفاسیر جدید از مفاهیم ربا، بی‌شباهت به تلاش‌های پیشینیان در مورد این مسئله خطیر نیست: توسل به حیله‌های قابل پذیرش در شرع و یافتن موارد استثناء جهت فعالیت‌های اقتصادی معمول. در تمسک یا رد هر یک از این موارد، مفاهیم قرآنی و اصول تفسیر از جمله سیاق آیات ربا به همراه مستندات تاریخی که گویای نوع فعالیت‌های عصر

۱. استاد دانشگاه تهران، پژوهشکده نهج البلاغه.
رایانامه: pahlevan@ut.ac.ir.
۲. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی پژوهشکده نهج البلاغه. (نویسنده مسئول)
رایانامه: mirahmad14@gmail.com.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

نزول قرآن هستند، نباید مورد غفلت قرار گیرد. در این تحقیق، ضمن بررسی سیاق و فضای کلی آیات مربوط به ربا (مجموعه آیاتی که احتمالاً فضای معنایی مشترکی دارند)، بیشتر به سیاق درون آیه‌ای اشاره شده است؛ در نتیجه چنین دیدگاهی، بررسی آیات ربا در کنار هم (و نه آیات ماقبل و مابعد در یک سوره) می‌تواند پاسخ گوی بسیاری از نظریات معاصر و رویه‌های اجرایی در سیستم‌های مالی از جمله صنعت بانکداری باشد.

واژگان کلیدی: آیات ربا، ارتباط موضوعی، حیل ربا، سیاق، عصر نزول.

مقدمه

برداشت اولیه از فضای آیات مربوط به ربا، آیات ۲۷۵ تا ۲۸۱ سوره بقره و تقابل ربا با صدقات در آیه «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ» و همچنین تقابل آن با زکات در آیه «وَمَا آتَيْتُم مِّن رِّبًا لِّيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِندَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُم مِّن زَكَوٰةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ» (روم، ۳۹) این است که ربا بیشتر در قروض مصرفی مصداق داشته و حکمت تحریم آن نیز سفارش به احسان و نیکی به نیازمندان است؛ بنابراین شاید بتوان گفت ربا در مسائل جدید بانکی و قروض تولیدی به غیر از مسئله جریمه دیرکرد، موضوعیت چندانی نخواهد داشت. علاوه بر این (قید اضعافا مضاعفه) در سوره آل عمران نوع خاصی از ربا را که به صورت تمدید مدت وام یا اخذ دیرکرد قرض است مطرح می‌کند. تلاش‌های صورت‌گرفته از سوی محققان در خصوص توجیه فعالیت‌های بانکی متعارف، شامل بررسی انواع احتمالی ربا در دوران صدر اسلام (ضروری یا مصرفی)، تفاوت ربای تولیدی با ربای قرضی، تلاش برای ارائه تعاریف جدید از بهره (اسمی و حقیقی) و

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

تفاوت قائل شدن بین بهره متعادل با نرخ بازار و زیادت (بهره) چشمگیر در وام‌ها بوده است.

در سال‌های اخیر با گسترش صنعت بانکداری و برای حل تعارض حرمت ربا و کارکرد بانکداری متعارف، تلاش‌های علمی فراوانی صورت گرفته است و بیش از صدها کتاب و مقاله علمی از ناحیه متفکران اهل سنت و بعدها اندیشمندان شیعی ارائه گردیده است. در یک تقسیم‌بندی کلی، تلاش‌های علمی صد سال اخیر اندیشمندان اسلامی را در دو گروه می‌توان طبقه‌بندی کرد: گروه نخست، با تأمل بر آیات قرآن و روایات و با ارائه نظریه‌های علمی، درصدد توجیه بهره بانکی برآمدند و به این نتیجه رسیدند که بهره بانکی با ربای محرّم در قرآن تفاوت دارد؛ گروه دوم، با ربوی دانستن معاملات بانک‌های متعارف، در صدد طراحی الگوی دیگری از بانکداری به عنوان بانکداری بدون ربا برآمدند (موسویان، ۱۳۹۱، ۷۶).

در برخی تحقیقات نیز محور بحث، تلاش برای دست یافتن به زمینه فرهنگی و اقتصادی عصر نزول در جهت تعیین ملاک‌های ربای محرم در قرآن و سنت است.

با این حال چند پرسش اساسی در خصوص سیاق آیات ربا و نحوه استدلال بر این آیات در نظریه‌ها و نیز روش‌های اجرایی مؤسسات مالی، باقی می‌ماند که عبارت‌اند از:

۱. مطالعه تاریخ عصر نزول و شرایط اقتصادی آن دوره تا چه حد می‌تواند به تبیین بهتر آیات ربا کمک کند؟

۲. آرا و تفاسیر جدید از مفاهیم ربا، چه شباهتی با تلاش‌های پیشینیان در توسل به حیل ربا و یافتن موارد استثناء جهت فعالیت‌های اقتصادی معمول دارد؟

۳. در تمسک یا رد هر یک از نظریه‌های جدید، کدام مفاهیم قرآنی و اصول تفسیر از جمله سیاق آیات باید مورد توجه قرار گیرد؟

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

٤. بررسی سیاق درون آیه‌ای و ارتباط موضوعی بین بخش‌های مختلف آیات تا چه حد می‌تواند پاسخگوی سؤالات در خصوص شبهات ربا و ملاک‌های ربای محرم در عصر حاضر باشد؟

پیشینه تحقیق

مهدی هادوی تهرانی، (۱۳۷۷) در مقاله «ربا و حیله‌های آن» با بررسی سیاق آیات ربا بر این عقیده است که ربای معاملی در بسیاری از موارد حتی مستلزم ظلم نیست؛ مانند آنجا که مقدار کمی از یک کالای مرغوب با مقدار بیشتری از همان کالا ولی با درجه مرغوبیت کمتر معامله شود؛ بنابراین، حرمت آن صرفاً تعبدی بوده است و اگر به تاریخچه ربا مراجعه شود، آنچه در جاهلیت مرسوم بوده و اعراب جاهل بدان «ربا» می‌گفتند نیز همین ربای قرضی بوده است هرچند در این میان برخی از دانشمندان اهل سنت ادعا کرده‌اند که «ربای جاهلی» با ربای مرسوم در زمان ما تفاوت دارد. هرجا در قرآن کریم از «ربا» نام برده شود، به طور طبیعی باید مقصود از آن ربای قرضی باشد؛ مگر این که نکته‌ای یا قرینه‌ای برخلاف آن دلالت کند.

موسویان (۱۳۸۰) در مقاله «ثمرات فقهی- اقتصادی دفعی یا تدریجی بودن تحریم ربا در قرآن» بر این باور است که با توجه بـه گسترده بودن پدیده رباخواری در جزیره العرب که ریشه‌کن کردن آن نیاز بـه مـبارزه مـداوم و طولانی داشت و با توجه به تاریخ نزول آیات ربا و محتوای آنها، به نظر می‌رسد خداوند متعال ربـا را بـه صورت دفعی برای مسلمانان تحریم کرد؛ لکن در مقام اجرا و تثبیت، تدریجی عمل نـمود. ایشان در مقام مقایسه وضعیت بانکداری با فضای نزول آیات ربا نتیجه می‌گیرد که کسانی که معتقدند وضعیت فعلی کشورهای اسلامی از جـهت ابـتلا بـه ربا همانند وضعیت صدر اسـلام اسـت و بـاید احکام اسلام از جمله ربا را به تدریج پیاده نمود، اگر مقصود این افراد تدریج در اجرا و تثبیت باشد، حرف درستی است؛ اما اگر مقصودشان تدریج در مقام تشریع اصل حرمت باشد، این حرف و

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

نتیجه‌گیری قطعاً باطل است.

نقی پورفر و حاج خلیلی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «گونه‌شناسی کارکرد سیاق در رفع ابهام از ظاهر آیات» با بهره‌گیری از روش تحلیلی، به ارائه تقسیم‌بندی قرائن (ازجمله پیوسته یا گسسته در کلام) اقدام کرده است و با توجه به هر یک از این موارد، گونه‌های پنج‌گانه کارکرد سیاق را در جهت رفع ابهام از ظاهر آیات مورد بررسی قرار داده است.

موسویان (۱۳۹۱) در «نقد دیدگاه‌های معاصر درباره ربا» وجوه مختلف از برداشت‌های اخیر در خصوص ربا را برمی‌شمرد؛ در کیفیت تحریم ربا میان مفسران اختلاف است؛ برخی اصل تحریم را تدریجی و برخی اجرای حکم حرمت را تدریجی می‌دانند که با توجه به قراین و شواهد، نظر دوم را قوی‌تر می‌داند؛ همچنین ایشان نتیجه می‌گیرد که با مطالعه روایات و تاریخ صدر اسلام ربای محرّم از دیدگاه قرآن، به گرفتن زیادی برای تمدید مدت بدهی اختصاص ندارد و شامل زیاده برای قرض نیز می‌شود. ربای محرّم از دیدگاه قرآن، به نرخ بهره‌های فاحش اختصاص ندارد و نرخ بهره‌های کم را نیز شامل می‌گردد. ربای محرّم از دیدگاه قرآن، به بهره قرض‌های مصرفی اختصاص نداشته، شامل بهره قرض‌های سرمایه‌گذاری [تولیدی و تجاری] نیز می‌شود.

در این تحقیق، ضمن بررسی سیاق و فضای کلی آیات مربوط به ربا، به سیاق درون آیه‌ای و نیز میزان ارتباط موضوعی بین بخش‌های مختلف آیات اشاره می‌شود و به جای بررسی مستقل هر کدام از این آیات، میزان ارتباط آیات ربا با یکدیگر و قراین پیوسته لفظی و مفاهیم اصلی آیات از جمله بیع و ربا، رأس المال و... به همراه مستندات تاریخی از جمله بافت اجتماعی فعالیت‌های اقتصادی شبه جزیره مورد بررسی قرار می‌گیرد.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

ربا در لغت، اصطلاح و تفسیر

اگر واژه ربا را اسم مصدر در نظر بگیریم به معنای زیـادی است و اگر مفهوم مصدری آن را طلب کنیم به معنای زیادشدن است و ریشه اصلی آن «ربو» است. در زبان عرب و در برخی موارد، ربا به شکل مطلق زیاده و افزونی معنا شده است: «ربا الشی یـربوا ربـواً: زاد و نـما: آن شیء زیاد شد و رشد کرد» (ابن‌منظور، ۱۴۰۸، ۱۲۶/۵).

در برخی تعاریف (و با توجه به مقتضیات بحث و اثر)، معنای خاص از این کلمه مورد تأکید قرار گرفته است. چنانکه راغب اصفهانی در مفردات معنای لغوی ربا را زیاده بر سرمایه (رأس المال) معنا نموده است نه مطلق زیاده و گفته است: «الرّبا الزیاده علی رأس المال لکن خصّ فی الشرع لزیادۀ علی وجه دون وجه» ربا، زیاده بر رأس المال است و در شرع به زیاده خاصی اطلاق می‌شود (راغب، ۱۴۰۹، ۱۷۸).

واژه «ربا» در لغت و شرع به معنای «زیاده» است؛ البته در شرع شرایطی برای آن ذکر گردیده است. در بین فقهای مکاتب مختلف اسلامی در خصوص اصل حرمت ربا اختلاف نظر وجود ندارد؛ ولی در بیان مصادیق و انواع آن اختلافاتی به چشم می‌خورد. فقیهان شیعه ربا را به دو نوع تقسیم می‌کنند: ربای معاملی که معامله دو شیء هم‌جنس از اشیای مکیل و موزون همراه با زیاده است (محقق حلی، ۱۴۱۵، ۲۹۷/۲) و ربای قرضی که عبارت است از اشتراط هر نوع زیاده در قرارداد قرض (موسوی خمینی، ۱۳۷۷، ۶۳۸). شهید ثانی از فقهای شیعه، در کتاب مسالک تعریف جامعی را بیان کرده و می‌گوید:

تعریف شرعی و اصطلاحی ربا عبارت است از معامله یکی از دو جنس همگونی که در زمان شارع مقدس یا عرف، مکیل و موزون بوده با افزایش حقیقی و یا حکمی همراه باشد. یا وام گرفتن یکی از آنها با زیاده گرچه مکیل و موزون نباشد (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۳۱۶/۳).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

در بین فقهای اهل سنت، رویه یکسانی وجود ندارد؛ لکن نوعاً ربا را به دو نوع «ربا الفضل» و «ربا النسیه» تقسیم می‌کنند. حنفیان معتقدند ربای فضل وقتی اتفاق می‌افتد که در یک معامله نقد، ارزش یکی از عوضین هم‌جنس بیشتر است و آن دو مکیل و موزون هستند؛ لکن مالکیان معتقدند عوضین باید مواد غذایی باشند یا وجه رایج. مقصود از ربای نسیه خرید و فروش اجناس ربوی همراه با زیاده به صورت نسیه است (مصری، ۱۴۱۲ق، ۹– ۱۰).

در بحث تفسیر، بیشتر بحث بر سر ربای جاهلی است که یا به صورت ربا در برابر تمدید مدت بود و هیچ شرطی به عنوان اضافه و زیاده در هنگام قرض دادن مطرح نبود؛ بلکه اضافه در زمان سررسید و بازپرداخت قرض تعیین و مطرح می‌شده است (رشیدرضا، ۱۳۴۶ق، ۱۲۳/۴).

ربای فاحش که اهل جاهلیت در پایان مهلت بدهی، از بدهکاران فقیر می‌خواستند در برابر تمدید زمان بازپرداخت، بازپرداخت دو برابر قرض را متعهد شوند (طبری، ۱۴۰۷ق، ۵۹/۴).

آیات ربا

گرایش عرب در زمان جاهلیت به رباخواری مسئله‌ای است که تاریخ بر آن صحه گذاشته است و مخصوصاً محیط مکه محیط رباخواران بود و سرچشمه بسیاری از بدبختی‌های اجتماعی آنها نیز همین کار زشت و ظالمانه بود.

به همین دلیل قرآن برای ریشه‌کن ساختن رباخواری حکم تحریم را در آیات متعدد بیان کرده است:

۱. در آیه ۳۹ سوره روم نخست درباره ربا به یک پند اخلاقی قناعت شده آنجا که می‌فرماید: «وَمَا آتَيْتُم مِّن رِّبًا لِّيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِندَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُم مِّن زَكَوٰةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ»؛ و به این طریق اعلام می‌کند

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

که تنها از دیدگاه افراد کوته‌بین است که ثروت رباخواران از راه سود گرفتن افزایش می‌یابد؛ اما در پیشگاه خدا چیزی بر آنها افزوده نمی‌شود؛ بلکه زکات و انفاق در راه خدا است که ثروت‌ها را افزایش می‌دهد.

۲. در سوره نساء آیه ۱۶۱ ضمن انتقاد از عادات و رسوم غلط یهود به عادت زشت رباخواری آنها اشاره کرده و می‌فرماید: «وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ» یکی دیگر از عادات بد آنها این بود که ربا می‌خوردند با این که از آن نهی شده بودند (مکارم، ۱۳۷۳، ۸۸/۳).

۳. در آیه ۱۳۰ سوره آل‌عمران «ربا» با تعبیر اضعافا مضاعفه بیان گردیده و مورد نهی قرار گرفته است.

۴. در سوره بقره آیات ۲۷۵ تا ۲۷۹ هرگونه ربا خواری به شدت ممنوع اعلام شده و در حکم جنگ با خدا ذکر گردیده است.

علامه طباطبایی بر این باور است که نزول آیه ۱۳۰ سوره آل عمران، بر آیات ربا، در سوره بقره تقدم دارد و در مقام تشریع حکم ربا است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ۴۰۸/۲)؛ ولی طبرسی در مجمع البیان نزول آیات ربا، در سوره بقره را مقدم می‌داند (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۵۰۲/۱).

انواع ربا در زمان نزول وحی

برای تبیین مقوله ربا در عصر نزول قرآن، در کنار مطالعه تاریخ، مراجعه به تفاسیر و آرای مفسران ضروری است. از اولین تقسیم‌بندی‌ها که خود نصوص قرآن بر آن دلالت دارد تقسیم ربا به حلال (روم، ۳۹) و حرام است که این تقسیم‌بندی از سوی حفص بن غیاث، قاضی عامی المذهب در بغداد و کوفه (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۱۳۴؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۱۵۸)، به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است (ر.ک:

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

قمی، ۱۳۶۷، ۱۵۹/۲) و از طریق تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی، به دیگر تفاسیر روایی امامیه راه یافته است (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۱۳۴/۴).

مطالعه متون فقهی و نیز تفسیری در سده‌های بعدی نشان می‌دهد، ربای هدیه‌ای پس از عصر نزول و به دلیلِ تضعیف نظامات قبیلگی در شبه جزیره، موضوعیت خود را از دست داده است (پاکتچی، ۱۳۹۷، ۶۴/۲)؛ بنابراین تمرکز عمده منابع اسلامی بر روی مسائل مختلف ربا (ربای حرام) از جمله حیل ربا ومستثنیات آن بوده است.

بررسی متون تاریخی، حدیثی و تفسیری نشان می‌دهد ربای مرسوم در جزیرۀ العرب، اختلافی با ربای رایج در جوامع دیگر (و دوران قبل و بعد از نزول وحی) نـداشت و در اشکال مختلفی رایج بود.

از جمله دلایلی که می‌توان برای تنوع فعالیت‌های ربوی در آن دوره اقامه کرد، تنوع معاملات در بین فعالیت‌های روزمره است؛ چنانچه با تحریم ربا در زمان نزول آیات، مسلمانان سایر عقود را در تجارت و بازرگانی به کار می‌گرفتند؛ همان‌گونه که قبل از رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز این نوع معاملات رایج بوده است؛ همچنین در بیان ویژگی‌های شخصیتی حضرت خدیجه علیها السلام در منابع تاریخی به این امر اشاره شده است: او سرمایه خود را به صورت مضاربه و استخدام افراد برای تجارت، به کار می‌گرفت (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ۲۹۳). این امر، نشان دهنده فعالیت‌های گسترده‌تر از قرض (برای ضروریات زندگی) است.

همچنین در تفسیر منسوب بـه امام عسکری علیه السلام در روایتی آمده است: «پیامبر صلی الله علیه و آله به سبب عقد مضاربه با خدیجه دختر خویلد به سوی شام سفر می‌کرد و فـاصله مکه تا بیت المقدس یک ماه به طول می‌انجامید (جرجانی استرآبادی، ۱۵۵/۱).

از جمله مستندات وجود ربا در بحث تجارت، قرض‌های انتاجی و سرمایه‌گذاری در زمان اهل بیت علیهم السلام، سؤال و جواب‌های متعدد در باب فقه معاملات

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

است که نشان دهنده فعالیت‌های تجاری (متناسب با موقعیت اقتصادی و اجتماعی آن دوران) است:

«عن اسحاق بن عمار ابی الحسن علیه السلام قال سالته عن الرجل یکون له علی رجل مال قرضا فیعطیه الشیء من ربحه فخافه ان یقطع ذلک عنه فیاخذ ماله من غیر ان یکون شرط علیه، قال لا باس به ما لم یکن شرطا؛ از اسحاق بن عمار نقل است که از امام کاظم علیه السلام سؤال کردم درباره مردی که به دیگری مالی را قرض داده، سپس قرض گیرنده از ترس آن که مال خود را پس گیرد مقداری از سود خود را به قرض‌گیرنده می‌دهد بی‌آنکه شرط سود با او کرده باشد. فرمودند: هرگاه قبلاً سود شرط نشده باشد مانعی ندارد» (حر عاملی، ۱۳۸۳، ۱۰۴/۱۳).

بر این اساس، تحریم ربا در قرآن و سنت موارد زیر را شامل می‌شد:

۱. ربا برای قرض: مالی را تا مدت معینی قرض می‌دادند و در مقابل، شرط می‌کردند که بدهکار مقداری زیادتر بپردازد و مقدار زیادی طبق توافق طرفین به صورت ماهیانه یا سالیانه پرداخت می‌شد.

۲. ربا برای تمدید مدت دِین: وقتی بدهکار در سررسید، قدرت پرداخت بدهی خود را نداشت، در قبال تمدید مدت، بر مبلغ بدهی افزوده می‌شد.

یقول الغَریم لغریم الحق: «زدنی فی الأجل وأزیدک فی مالک»... القول فی تأویل قوله تعالی: «وَأَحَلَّ اللّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَن جَاءهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُوْلَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره، ۲۷۵).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

قال أبو جعفر: یعنی جل ثناؤه: وأحلّ الله الأرباح فی التجارة والشراء والبیع «وحرّم الربا»، یعنی الزیادةَ التی یزاد رب المال بسبب زیادته غریمه فی الأجل، وتأخیره دَیْنه علیه (طبری، ۱۴۰۷ق، ۱۳/۶).

چنانچه در آیه انظار نیز به این امر اشاره شده است: «**وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ وَأَن تَصَدَّقُواْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ**» (بقره، ۲۸۰).

این آیه هرچند مطلق است و مقید به مورد ربا نیست، لکن قهراً منطبق با مورد ربا است؛ چون رسم این بود که وقتی مدت قرض یا هر بدهی دیگر به پایان می‌رسید، رباخوار گریبان بدهکار را می‌گرفت؛ و از او درخواست می‌کرد که مدت بدهی مرا تمدید کن و من در مقابل این تمدید، فلان مقدار و یا به فلان نسبت به قیمت جنس اضافه می‌کنم و آیه شریفه از این عمل نهی نموده و دستور می‌دهد به بدهکار مهلت دهند (طباطبایی، ۱۳۹۱، ۶۴۹/۲).

۳. ربای معاملی: با توجه به زمان نزول قرآن و وضعیت اقتصادی آن دوره، مبادله پایاپای در کنار تجارت نقدی، بخشی از فعالیت‌های تجاری مردم شبه جزیره عربستان را تشکیل می‌داد.

در روایت صحیحِ ابن مسکان، تلاش شرع برای حذف این نوع ربا و روش‌های اصلاحی به تصویر کشیده است:

«عن أبی عبدالله علیه السلام إنه سئل عن الرجل یقول: عاوضنی بفرسی وفرسک وأزیدک، قال: لا یصلح ولکن یقول: أعطنی فرسک بکذا و کذا واعطیک فرسی بکذا وکذا؛ از امام صادق علیه السلام در مورد مردی سؤال شد که به دیگری می‌گوید: اسب خود را با اسب من معاوضه کن، به تو زیادی می‌دهم.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

امام علیه السلام فرمود: این کار درست نیست؛ بلکه بگوید: اسب را به فلان مبلغ به من بفروش و من اسبم را به فلان مبلغ به تو می‌فروشم» (حرعاملی، ۱۲، ۱۶/۱۳۸۳).

سیاق

یکی از قواعد مهم در تفسیر آیات قرآن کریم، توجه به بافت و سیاق آیات است. از سیاق آیات به عنوان یکی از قرائن متصله در فهم کلام استفاده می‌شود تا در نتیجه، معنای آیات در ضمن سیاق آنها دانسته شود؛ به عبارت دیگر، سیاق یکی از بهترین قرائن برای کشف معانی دقیق آیات است و عدم توجه به آن موجب خواهد شد تفسیری ناقص از قرآن ارائه شود و فهم درست از آیات به ویژه آیات متشابه را با مشکل مواجه کند؛ از سوی دیگر سیاق نقش مهمی در دایره شمول آیات و احکام مرتبط با آن دارد. چه بسا آیه‌ای بدون در نظر گرفتن سیاق و تنها با مراجعه به خود عبارات، بر موارد گسترده‌ای قابل تفسیر و تطبیق باشد، ولی با لحاظ سیاق از دایره این موارد کاسته شده و مصادیق معینی را شامل شود.

سیاق و فضای آیات ربا در سوره بقره

در اصطلاح دو معنا برای سیاق ذکر شده است؛

الف: سیاق تنها دلالت مقالیه است که به آن سیاق لغوی هم می‌گویند (بابایی، ۱۳۸۱، ۱۲۰). در این صورت سیاق عبارت خواهد بود از: اسلوب سخن، طرز جمله بندی عبارات و نظم خاص کلام و یا روند کلی سخن.

ب: سیاق دلالت مقالیه و حالیه است که عبارت است از: هرگونه دلیلی که به الفاظ و عبارات پیوند خورده باشد، چه لفظی، چه حالی (صدر، بی‌تا، ۱۳۰/۱).

سیاق نقش مهمی در دایره شمول آیات و احکام مرتبط با آن دارد. چه بسا آیه‌ای بدون در نظر گرفتن سیاق و تنها با مراجعه به خود عبارات، بر موارد گسترده‌ای قابل

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

تفسیر و تطبیق باشد ولی با لحاظ سیاق از دایره این موارد کاسته شده و مصادیق معینی را شامل شود.

در آیات مورد بحث، مهم‌ترین نکته کلیدی تقابل ربا با مفهوم صدقه، انفاق یا زکات است. از جمله در آیه ۲۷۶ سوره بقره «**يَمْحَقُ اللّهُ الْرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللّهُ لاَ يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ**؛ نقصان پذیرد به امر خدا مالی که در آن رباست و مالی را که در آن دادن صدقات است زیاد می‌کند و خدا دوست ندارد هر کیفر پیشه گنهکار را»

در صورتی که برای اثبات تفاوت‌های ربای صدر اسلام با ربای تولیدی یا بهره بانکی به دنبال سیاق آیات باشیم (چنانچه قائلین به این امر، هم گفته‌اند)، اولین نکته‌ای که مشخص است این است که منظور از سیاق در آیات ۲۶۵ تا ۲۸۱ سوره بقره سیاق جملات نیست و سیاق آیات مورد توجه بوده است؛ چراکه یک گروه بزرگ از آیات را شامل می‌شود. در این خصوص باید پیوستگی صدوری آیات ثابت گردد و صرف در کنار هم بودن آیات و مشابهت مفهوم نمی‌تواند دلیل این ادعا باشد؛ چنانچه در خصوص آیه تطهیر نویسنده المیزان بر این باور است که این آیات پیوستگی در نزول ندارند تا سیاقی میانشان برقرار شود، درستی این سخن را آیه «**وقَرنَ فی بُیُوتِکُنَّ**» تأیید می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۱، ۳۱۲/۱۶). لحن آیه فوق تشدید، تکلیف و توجه دادن به مسئولیت است؛ در حالی که لحن آیه تطهیر لحن تکریم و تشریف است و در نتیجه سیاق دو آیه با وجود در کنار هم بودن، ثابت نیست تا به دلیل هم‌سیاق بودن، عصمت زنان پیامبر اثبات گردد.

در خصوص آیه «**احل الله البیع وحرم الربوا**» نیز دو نکته سیاقی متفاوت وجود دارد. اگر فرض کنیم:

-ربا و تحریم آن مربوط به شرایط اقتصادی عصر زمان نزول بود؛

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

–تحریم ربا در جهت تشویق به قرض یا انفاق بوده است؛

در این صورت علت تهدیدهای مکرر و شدید در بیان تحریم ربا جای سؤال دارد.

الف: لحن آیات ۲۶۵ تا ۲۷۴ لحن تشویق است در حالی که لحن آیات ۲۷۵ تا ۲۸۱ اغلب لحن تهدید و تکلیف است (به استثنای آیه ۲۷۷)

آنچه حاکی از جایگاه اجتماعی و قدرت سیاسی– اقتصادی رباخواران است، فراخوانی آنها به جنگ با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله است: «وَذَرُواْ مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُواْ فَأْذَنُواْ بِحَرْبٍ مِّنَ اللّهِ وَرَسُولِهِ» (بقره، ۲۷۸–۲۷۹).

بدون تردید فراخوانی انسان‌های عادی به جنگ که از ساز و برگ نظامی بی‌بهره‌اند، معقول به نظر نمی‌رسد. برعکس، مخاطبان این آیه رؤسای قبایلی بوده‌اند که به دلیل برخورداری از مکنت مالی و قدرت سیاسی، امکان مبارزه نظامی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را داشته‌اند. آنان برای حفظ موقعیت اقتصادی و سیاسی خود، در صدد برقراری پیمان‌های مختلفی بودند تا با ایجاد امنیت در منطقه، امکان سودآوری اقتصادی برای خود را به حداکثر برسانند. در چنین شرایطی، اعلان جنگ با آنان می‌توانست تهدیدی بزرگ برای تجارتشان محسوب شود (پاکتچی، شیرزاد، ۱۳۹۷، ۶۲/۲)؛ بنابراین نمی‌توان گفت که این اعلام جنگ به خاطر نهی از ربا در مقابل تشویق به قرض بوده باشد.

ب: علاوه بر لحن آیات، ابتدا باید پیوستگی صدوری آیات ثابت شود تا نوبت به پیوستگی مفهومی آیات برسد.

سیاق و ارتباط موضوعی در کنار شواهد تاریخی

با پذیرفتن سیاق واحد و پیوستگی صدوری برای این قسمت از آیات که ظاهراً به تقابل ربا و صدقات (انفاق‌های خالصانه و بدون چشم داشت) محدود می‌شود، این

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

سؤال پیش می‌آید که چرا باید برای بیان این مسئله که امروزه بیشتر کاربرد اخلاقی دارد تا کاربرد اقتصادی، این همه مطلب آمده باشد؟

شارع مقدس فقط به مسائل اخلاقی و اجتماعی اکتفا نکرده و مسائل اقتصادی نیز به همان اندازه مورد توجه قرار گرفته است. چندین آیه در قرآن وجود دارد که نه تنها به زکات و رفاه اجتماعی امر می‌کند، بلکه با نفی ربا به ترویج تجارت نیز مبادرت می‌ورزد. قرآن میان زکات، تجارت و رفاه اجتماعی (بقره، ۲۷۴– ۲۷۵) و همچنین بین انفاق کردن اموال زندگی و رفاه اجتماعی ارتباط ایجاد کرده است (بقره، ۲۶۵) و به مسائلی همچون تولید، مصرف و مبادله و توزیع کالا پرداخته است (بقره، ۲۶۷)؛ علاوه بر این، قرآن به شدت ربا را منع می‌کند؛ بر این اساس که ربا، کسب ثروت ناعادلانه را در تأمین عدالت اجتماعی، توزیع ثروت برابر و رفاه جامعه ترویج می‌دهد؛ و به گفته قرآن کریم، این ارزش‌های مهم را می‌توان از طریق همبستگی، همکاری، تعاون و تولید فعالانه اموال زندگی به دست آورد.

بر اساس چنین تصویرسازی از این قسمت از آیات، فعالیت‌های مثبت اقتصادی (تولید، توزیع و خدمات) و نه تنها پرداخت‌های واجب یا مستحب مالی، از قبیل صدقات، انفاق و زکات در مقابل ربا شکل می‌گیرد.

این دیدگاه در کنار نکات قابل توجهی که دارد، شاید به علت تصویرسازی برون متنی چندان قابل دفاع نباشد. با این حال سیاق درون آیه‌ای در آیه ۲۷۵ و ۲۷۶ بهترین پاسخ به مسئله را به همراه دارد؛ بنابراین بهتر است به جای سیاق بین آیات به سیاق خود آیه و عبارات آن توجه شود.

در کنار ارتباط کلی که بین این قسمت از آیات وجود دارد، تقابل «بیع» با «ربا» از تقابل «انفاق» با «ربا» متفاوت است. دلیل مشابهت احتمالی و نیز قیاس غیر منطقی بین ربا و بیع از نظر رباخواران و تأکید قرآن بر تفاوت آن دو باید مورد بررسی مجدد قرار گیرد. اولین نکته اشتراک بین بیع و ربا، سودی است که عاید فرد قرض دهنده یا بایع می‌گردد.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

در فعالیت‌های تجاری (تولید، خدمات و یا هرگونه کسب و کار خارج از این شرایط؛ مثل واسطه‌گری و دلالی) سود به دو شکل قابل تصور است:

–سود در جریان فعالیت اقتصادی

–سود در جریان مرور زمان.

آنچه مورد تشویق شرع مقدس اسلام قرار گرفته است سود در جریان فعالیت اقتصادی است: «**وَاَحَلَّ اللهُ البَیعَ**». در حالی که سودی که اغلب رباخواران به دنبال آن هستند، سود قطعی در جریان مرور زمان و بدون تحمل هرگونه تلاش و ریسک است.

«آنچه ما از این آیه می‌فهمیم این است که صرف اکل ربا منشا قیام خابطانه نیست؛ بلکه اکل به ربا با عقیده به اینکه بیع و ربا تفاوتی ندارد منشأ آن حالت خبیث است» (مطهری، ۱۳۶۴، ۱۹۵).

نکته ظریفی که نباید از ذهن دور داشت این است که تقابل ربا با انفاق، کاربرد قرآن را در حل مسائل جدید کم‌رنگ‌تر می‌کند. با در نظر گرفتن سیاق کلی برای آیات مورد بحث، مهم‌ترین برداشت تفسیری این است که قرآن می‌گوید به جای گرفتن ربا در قرض‌ها (معاملات) انفاق کنید. ممکن است فردی به علت نداشتن سود در قرض یا انفاق، به این امور مبادرت نورزد و تنها از لحاظ اخلاقی مورد مذمت قرار گیرد. با این حال نمی‌توان همه را امر به انفاق یا قرض کرد.

به این ترتیب کاملاً مشهود است که تقابل ربا با انفاق و صدقات تنها به دلیل قرار گرفتن آیات ۲۷۵ و ۲۷۶ در میان آیات انفاق و فهم وحدت موضوعی از کل آیاتی که موضوع اقتصادی را در این بخش دنبال می‌کنند، دلیل کافی را به همراه ندارد، در صورتی که مطالعه دقیق‌تر این گزاره نشان می‌دهد که «بیع» نقطه عزیمت پیام انتخاب شده است. این بدان معناست که موضوع و مسئله اصلی این گزاره، «بیع» است و پیام دربارهٔ آن تولید شده است. تشبیه «بیع» به «ربا» نیز بیانگر آن

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

است که هنگام تولید این گزاره، «بیع» پدیده‌ای نو و ناشناخته (دست کم به دلیل خو گرفتن به سود ربا) و در مقابل، «ربا» پدیده‌ای ملموس‌تر و شناخته‌شده در بافت اقتصادی شبه جزیره (دست کم برای رباخواران) بوده است؛ چراکه همواره «مشبه» نو و «مشبهٌ به» کهنه است (کریمی و دیگران، ۱۳۹۵، ۱۶).

بنابراین می‌توان گفت این آیه با تحذیر از گرایش افراد و جامعه به سود حاصل از ربا، در پی تشویق به دریافت سود از طریق بیع و معاملات مشروع است و این نکته‌ای است که ما را از وحدت سیاق بین مجموعه آیات به سیاق بین آیه‌ای و درون‌متنی سوق می‌دهد.

سیاق عبارات درون آیه

همان‌گونه که در تعریف سیاق گفته شده است سیاق دلالت مقالیه و حالیه است که عبارت از هرگونه دلیلی است که به الفاظ و عبارات پیوند خورده باشد. آنچه در تفسیر عصری نباید از آن غافل شد ملاک‌های لغوی در تفاسیر ترتیبی است. یکی از این ملاک‌ها دلالت الفاظ است که نقش مهمی در تأیید یا رد برداشت‌های جدید ایفا می‌کند. برای مثال در آیه ۲۷۹ سوره بقره:

«فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَ رَسولِهِ وَ إِن تُبْتُمْ فَلَكمْ رُءُوس أَمْوَلِكمْ لا تَظلِمُونَ وَ لا تُظلَمُونَ»

دو مسئله بیشتر قابل ملاحظه است:

الف: شدت نهی که در هیچ گناهی به این شکل فرد خاطی مورد نهی قرار نگرفته است. در مقایسه با شرک و بت پرستی و نیز اعمال منافی عفت و نیز مسئله زنده به گور کردن دختران که بیشتر به صورت جرم ناشی از فرهنگ زمان نزول قرآن مطرح است، مطالب متعددی آورده شده است؛ ولی چنین عتابی صورت نگرفته است.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

ب: لفظ «رؤوس اموالکم» یک بار معنایی فراتر از اصل مال قرض‌داده‌شده را با خود دارد. اینکه بپذیریم منظور از رؤوس اموال فقط به مبلغ قرض‌داده‌شده توسط رباخواران صدر اسلام در جهت نیازهای مصرفی افراد نیازمند اشاره دارد، برداشتی سطحی خواهد بود.

معلوم است که مال وقتی «رأس» خوانده می‌شود که در وجوه معاملات و انواع کسب صرف شده باشد (طباطبایی، ۱۳۹۱، ۲ /۶۴۹).

بنابراین با توجه به این مورد، مسئله سرمایه و به‌کارگیری آن در فعالیت‌های مختلف تجاری مطرح می‌شود که به گستردگی فعالیت‌های ربوی منتهی می‌شود. علاوه بر این استفاده موردی از آیات مرتبط با یک موضوع و کم‌توجهی به آیات دیگر از جمله اطلاق یا مقید بودن آیه و یا ترتیب نزول، راه را برای برداشت‌های ناقص در تفسیر عصری باز می‌کند. چنانچه در خصوص عبارت «اضعافا مضاعفه» تفسیرهای محدودی صورت گرفته است و اندیشمندان مختلفی بدون توجه به این موضوع، آن را اشاعه کرده‌اند:

عبارت «اضعافا مضاعفه» در این آیه نشان می‌دهد که نرخ‌های بهره بسیار زیاد جزو ربای حرام‌اند و نرخ‌های کم مشمول حکم تحریم نمی‌شوند (کاشانی، ۱۳۷۶، ۹۵).

بنابراین در این تعبیر منظور از ربا، ربای خاصی بوده است که حالت چند برابر شدن یا بهره مرکب را داشته است که علاوه بر اصل مبلغ به خود بهره نیز بهره تعلق می‌گرفته است؛ در حالی که با استناد به مطالب پیش و عبارت «فَلَكُمْ رُءُوس أَمْوَلِكُمْ» مشخص است که هیچ گونه تخفیفی در بهره یا ربا وجود ندارد و در غیر این صورت اطلاق اموال باید به نحوی با یک قید «کم‌بهره یا غیر فاحش» تخصیص خورد.

در کنار این مطلب توجه به این موارد تفسیری، روایی و نقلی لازم است:

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۱. نه تنها در کلمات نبی اکرم صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام بلکه در کلمات هیچ صحابی، فقیه و مفسری تا صدسال پیش، هیچ‌گونه تفکیکی بین نرخ بهره کم و زیاد دیده نمی‌شود و اصولاً تعابیری چون نرخ بهره عادلانه و نرخ بهره فاحش بعد از نفوذ نظام سرمایه‌داری در کشورهای اسلامی پیدا شده است (موسویان، ۱۳۸۰، ۱۰۳).

۲. از سوی دیگر به نظر صاحب المیزان «اضعافا مضاعفه» اشاره به وصف غالب رباها دارد. ربا به طبیعت اولیه، خود به خود زیاد می‌شود و به چند برابر اصل سرمایه می‌رسد (طباطبایی، ۱۳۹۱، ۱۹/۴)؛ برخلاف رأی مفسران و اندیشمندانی که قائل به حکم بودن این صفت هستند؛ چنانکه در برخی تفاسیر جدید بر این عقیده تأکید شده است:

«الف ولام الربا عهد است و مراد از آن ربای جاهلی است و در حقیقت آیه شریفه نیز مانند آیه لا تاکلوا الربا اضعافا مضاعفه دلالت بر حرمت ربای جاهلی دارد» (رشیدرضا، ۱۳۴۶ق، ۹۳/۳).

این استدلال زمانی درست است که وصف اضعافا دارای مفهوم باشد در حالی که این وصف نشان دهنده وصف اغلب رباهاست و بر اساس علم اصول هرگاه وصف، ناظر به موارد اکثری باشد، نمی‌توان از آن مفهوم گرفت.

۳. با توجه به گستردگی ربا در سرزمین عربستان از یک سو و ورود افراد شاخص به این مسئله، نمی‌توان به شیوع نوع خاصی از ربا (ربای فاحش یا ربای مصرفی) نظر داد:

عباس بن عبدالمطلب و بنی مغیره با بعضی از بنی ثقیف قبل از اسلام معاملات ربوی گسترده داشته‌اند. بدیهی است با توجه به شرایط و موقعیت این اشخاص و قبایل آنان، ربای رایج بین آنان از نوع استهلاکی نبوده، بلکه قطعاً از نوع ربای تولیدی بوده است (رشید رضا، ۱۳۴۶ق، ۱۰۳/۳).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۴. از سوی دیگر رواج ربا در بین یهود به شکل یک عادت ناپسند گویای این مسئله است که ربا به صورت یک فعالیت منحرف اقتصادی در حد گسترده و نه به صورت موردی شایع بوده است:

خداوند در سوره نساء آیه ۱۶۱ ضمن انتقاد از عادات و رسوم غلط یهود به عادت زشت رباخواری آنان اشاره کرده و می‌فرماید: «**و اخذهم الربا و قد نهوا عنه**» یکی دیگر از عادات بد آنها این بود که ربا می‌خوردند با این که از آن نهی شده بودند (مکارم، ۱۳۷۳، ۸۸/۳).

۵. علاوه بر این در طول تاریخ بعد از اسلام نیز قرض ربوی به منظور کار انداختن سرمایه، به شکل غالب در جریان بوده است و قبل از گسترش بانکداری به حد اعلای خود رسیده است که اکنون نیز می‌توان نمونه‌هایی از آن را سراغ گرفت. در اغلب موارد فرد ربا گیرنده وجه قرض را نه با عنوان ربا که به شرط داشتن عنوان سود یا کارکرد پول در اختیار رباگیرنده قرار می‌داد.

۶. امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه‌ای خطاب بـه اهـل بازار می‌فرماید: «**یا معشر التجار، الفقه ثم المتجر، الفقه ثم المتجر، الفـقه ثـم المتجر و الله للربا فی هذه الامة اخفی مـن دبـیب النـمل علی الصفا**؛ ای جمعیت تجار! اول مـسائل فقهی را فراگیرید و پس از آن به کار داد و ستد مشغول شوید (سه مـرتبه). به خدا قسم کـه افـتادن در ورطه رباخواری، از راه رفتن مورچه بـر روی سنگ صـاف پنهان‌تر اسـت».

در روایت دیگر می‌فرماید: «**من اتجر بـغیر عـلم ارتطم فی الربا ثم ارتطم**؛ هرکس بدون علم و آگاهی تجارت کند، در ربـا فـرو می‌رود که از آن نمی‌تواند خارج شـود» (کلینی، ۱۴۱۳ق، ۱۵۰/۵).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۷. علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام نقل می‌کند: از ایشان سؤال کردم در مورد مردی که به کسی صد درهم قرض می‌دهد و شرط می‌کند ۵ درهم یا مقداری کمتر یا بیشتر، بهره بپردازد. حضرت فرمود این ربای محض است (حر عاملی، ۱۳۸۳، ۱۰۸/۱۳).

سیاق و مسائل جدید

ربای مصرفی

در ادله تحریم ربا، چیزهایی به عنوان علت تحریم ذکر شده که فقط در ربای مـصرفی وجود دارد؛ پس حکم حرمت منحصر می‌شود در نوعی از ربا که آن علت‌ها در آن وجود داشته باشد و یکی از چیزهایی که در لسان ادله به عنوان علت تحریم ربا ذکرشده است ظلم است. در قرض‌های مصرفی قرض‌گیرنده برای تأمین نـیازهای ضـروری زندگی به قرض احتیاج پیدا می‌کند. از آنجا که چنین افرادی توانایی پرداخت خود قرض را هم ندارند، گرفتن ربا از آنان ظلم است؛ اما اگر در قرض‌های تولیدی و تجاری، قرض‌گیرنده سرمایه‌گذاری مـی‌کند و بـهره زیادی از راه تجارت و تولید به دست می‌آورد، حال اگر قرض‌دهنده با او شرط کند که مقداری از بهره به‌دست‌آمده را به عنوان منفعت سرمایه‌اش به او بدهد، نه تنها ظلم به او نیست، بـلکه عـین عدالت است (احمدوند، توحیدی، ۱۳۹۴، ۲).

آیت الله صانعی از فقهای معاصر در این باره می‌گوید: از آیه شریفه «وَ إِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» استفاده می‌شود که ربا گرفتن ظلم است و عرفاً و عقلاً، آیه در مقام تـعلیل حـرمت ربـا است. گرفتن زیاده ظلم بـر مـدیون اسـت؛ پس تحریم ربا در این آیه دائر مدار ظلم است و حرمت منحصر است در مواردی که علت (ظلم) در آنها وجود دارد؛ پس برای اینکه در مورد ربا حـکم بـه حـرمت کنیم، باید اول دنبال تحقق علت حرمت برویم کـه اگـر در مواردی ربا

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

گرفتن مستلزم ظلم شد، حکم حرمت منحصر به همان موارد خواهد بود و غیر آن موارد اگر ربا در آن مستلزم ظـلم نـشد، حـرام نخواهد بود؛ بنابراین تنها مصداقی که ربا گرفتن در آن مستلزم ظلم بـر مدیون است ربا در قرض‌های استهلاکی و مصرفی است؛ اما ربا در قرض‌های انتاجی، چون موجب رشد اقتصادی و گردش چرخ اقـتصاد و تـولید سـرمایه می‌گردد، گرفتن ربا از مدیون مستلزم ظلم به او نخواهد شد» (صانعی، ۱۳۸۳، ۳۸).

احکام شرعی دارای ملاک و مصالح و مفاسد واقعی و راستین‌اند. ظالمانه بودن ربا مربوط به حکمت آن است و نه دلیل حکم؛ بنابراین اگر در موردی هم ثابت شود که ربا ظالمانه نیست، باز مجوزی برای ربا نخواهد بود (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳). ممکن است تعریف ما از مسئله ربا با ربای صدر اسلام تفاوت داشته باشد. این تفاوت نباید به حدی باشد که مسائل جدید اقتصادی را از اصل حرمت ربا منفک کند. در غیر این صورت، حتی بانکداری متعارف که بر پایه بهره شکل گرفته است مصداق کامل ربای تحریمی نخواهد شد؛ بدین ترتیب تلاش برای تعریف و شکل‌گیری بانکداری بدون ربا یا بانکداری اسلامی کاری ضروری نخواهد بود.

در حالی که یکی از نشانه‌های شبهه ربا در سیستم بانکی فاصله بین منابع مالی تخصیصی بانک‌ها و بخش حقیقی و تولید است. تا زمانی که ربا در سیستم بانکی وجود دارد، نمی‌توان منابع مالی را به سمت بخش حقیقی و تولید سوق داد. برخی از روایات، سبب تحریم ربا را رکود اقتصادی و تعطیلی داد و ستد و معاملات دانسته‌اند؛ از جمله این روایت:

«هشام بن الحکم، انه سأل ابا عبدالله علیه السلام عن علّه تحریم الرّبا، فقال: انه لوکان الربا حلالاً لترک الناس التجارات و ما یحتاجون الیه فحرّم الله الرّبا

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

لتنفر الناس من الحرام الی الحلال و الی التجارات من البیع و الشراء، فیبقی ذلک بینهم فی القرض» (حر عاملی، ۱۳۸۳، ۲/۲۱).

از سوی دیگر تقسیم وام به ضروری و غیر ضروری یا مصرفی و تولیدی بر روی کاغذ، کاری ساده به نظر می‌رسد؛ ولی با در نظر گرفتن نیازهای مختلف در زندگی امروز و تنوع‌طلبی خانواده‌ها برای رسیدن به مطلوبیت نسبی از رفاه پذیرفته‌شده در جامعه، بسیاری از متقاضیان تسهیلات بانک‌ها را افرادی تشکیل می‌دهند که مشکل بتوان گفت برای امر ضروری و یا غیر آن تسهیلات دریافت می‌کنند. به ویژه تسهیلاتی که در قالب فروش اقساطی یا مشارکت تجهیز واحد مسکونی و... اعطا می‌شود.

«خیلی از موارد قرض‌های مصرفی برای تهیه نیازمندی‌های ضروری نیست. کارمندی که برای تعویض ماشین سواری یا مبلمان منزل قرض می‌گیرد و به راحتی می‌تواند اصل بدهی و بهره آن را به صورت ماهیانه بپردازد، مطابق این نظریه نباید گرفتن بهره و زیادی از او حرام باشد، در حالی که قرض مصرفی است» (موسویان، ۱۳۸۴، ۵۸).

هزینه فرصت یا امساک

فردی که پول خود را به صورت موقت یا مدتی معین در اختیار دیگری قرار می‌دهد در حقیقت فرصت استفاده فعلی از کالاها و خدمات و نیز فرصت کسب درآمد از دارایی بالفعل را از خود سلب و در اختیار دیگری قرار می‌دهد. این رفتار فرد به علت خویشتن‌داری از مصرف فعلی یا برخورداری از سود احتمالی ناشی از تولید یا خدمات مستوجب دریافت پاداشی است که اصطلاحاً «بهره» نام دارد. مطالعه در تاریخ نزول قرآن نشان می‌دهد تجار عرب پول را به صورت سرمایه تجاری و ربا را به صورت هزینه فرصت (هزینه امساک) می‌دانستند. زمانی که کسی به تاجری

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

قرض می‌دهد برای مدت طولانی سرمایه وی در اختیار تاجر می‌ماند و ربا (زیادت) در مقابل این کار است؛ چراکه اگر صاحب سرمایه قرض نمی‌داد می‌توانست با آن تجارت کند و سود ببرد. حال که سرمایه خود را در اختیار دیگری قرار داده تا از آن استفاده کند در عوض استفاده از آن سرمایه باید درهم‌هایی به صاحب سرمایه بدهد (فخر رازی، ۱۴۱۵، ۸۷/۷).

توجیه مسئله ربا با هزینه فرصت یا امساک، چندان فرقی با توجیه عصر نزول ندارد. در زمان تحریم ربا، این تصور وجود داشت که چون در معامله سود (زیاده بر اصل سرمایه) وجود دارد در ربا نیز این حکم صادق خواهد بود. «**الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لاَ يَقُومُونَ إِلاَّ كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُواْ إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الربا**» (بقره، ۲۷۵) در نظام‌های سرمایه‌داری شاید بتوان از این ادعا و فرضیه به نحوی پشتیبانی کرد، ولی در دیدگاه اسلام، با توجه به اهمیتی که برای کار و تولید در نظر گرفته شده است، چنین نگرشی صحیح نخواهد بود. احادیث متعددی که در زمینه اهمیت کار و تلاش به همراه سیره عملی اهل بیت علیهم السلام به دست ما رسیده است الگویی مناسب برای نوع زندگی ما خواهد بود:

الف- «**ان معایش الخلق خمسة: الامارة و العمارة و التجارة و الاجارة و الصدقات و اما وجه العمارة فقوله تعالی هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فاعلمنا سبحانه انه قد امرهم بالعمارة لیکون ذلک سببا لمعایشهم لما یخرج من الارض من الحب و الثمرات و مما جعله اللّه معایش للخلق**؛ راه‌هایی که مردم به کسب درآمد می‌پردازند پنج تاست: امور دولتی، آبادانی و کشاورزی، تجارت، اجاره و صدقات... » (حر عاملی، ۱۳۶۷، ۳۵/۱۹).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

ب- «الامام علی علیه السلام: **تَعَرَّضُوا لِلتِّجارات، فَاِنَّ لَکُمْ فیها غِنیً عَمّا فی اَیْدِی النّاسِ وَ اِنَّ اللهَ یُحِبُّ المُحْتَرِفَ الْاَمینَ**؛ امام علی علیه السلام فرمود: به کارهای تجاری بپردازید که بازرگانی، شما را از مال دیگران بی‌نیاز می‌کند. خداوند پیشه‌ور درستکار را دوست دارد» (حرعاملی، ۱۳۶۷، ۱۱/۱۷).

«خوشا به حال اجتماعی که سیستم اجتماعی‌اش به شکلی باشد که راه درآمد منحصر باشد به فعالیت و آثار فعالیت فرد هم مخصوص خودش باشد! بدا به حال اجتماعی که کار در آن اجتماع صرف نمی‌کند، اما بورس‌بازی و کارهای غیر تولیدی و کارهای انحرافی در آن صرف بکند و بالاخره، فعالیت مفید و سالم راه درآمد نباشد!» (مطهری، ۱۳۷۳، ۲۴).

حیل ربا و تفاسیر جدید از ربا

حیله ربا، عملی است که به منظور تغییر حکم ربا، با حفظ غرض از آن، از راه تغییر عنوانی که بر آن منطبق است، انجام می‌شود. راغب اصفهانی در «مفردات» می‌گوید: «**الحیلة و الحویلة ما یتوصّل به الی حالة ما فی خفیة و اکثر استعمالها فیما فی تعاطیه خبث**؛ حیله به معنی چاره و چاره‌اندیشی است؛ اما باید شکل پنهانی داشته باشد وگرنه حیله نیست؛ ولی غالباً حیله، بار منفی دارد و در جاهای مثبت، کمتر استعمال می‌شود». از لحاظ اصطلاحی نیز از مجموع کلمات فقها در ابواب مختلف فقه، این تعریف برای حیله استفاده می‌شود:

«**الحیلة هی حفظ ظواهر قوانین الشرع و ان کانت روحها غیر موجودة**؛ حیله عبارت است از حفظ ظاهر قوانین شرع، اگرچه روح قانون موجود نباشد» (مکارم، ۱۳۸۵، ۱۴).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

بر این اساس با وجود رواج برخی از حیل ربا در فعالیت‌های اقتصادی، بسیاری از فقها به این مسئله اشکال وارد کرده‌اند. از جمله امام خمینی رحمه الله با استفاده از حکمت تحریم ربا، حکم به بطلان و عدم جواز حیله‌های شرعی کرده‌اند و گفته‌اند:

حیله‌ها نمی‌تواند موضوع ربا را از تحت علت‌هایی که در کتاب و سنت برای تحریم ربا ذکر شده است، مانند ظلم، فساد اموال و تعطیل تجارت، خارج سازد (امام خمینی، ۱۴۱۵، ۴۰۹/۲). در سیستم‌های مالی جدید، بانکداری اسلامی، واسطه بین پس‌اندازکنندگان و متقاضیان وجوه از جمله فعالان اقتصادی است؛ با این فرض، بانکداری اسلامی سعی می‌کند با دو رکن خود یعنی حذف بهره و مبتنی بر عقود اسلامی بودن، با بخش واقعی اقتصاد در تماس باشد.

امروزه با توجه به الزام بانک‌ها بر اجرای «قانون بانکداری بدون ربا» برخی از فعالیت‌های بانک‌ها که شبهه ربا در آنها وجود دارد از راه به‌کارگیری قواعد و شرایطی محقق می‌شود که راه را برای انجام فعالیت‌های سالم اقتصادی می‌بندد.

با این حال در مقام عمل، ایجاد قالب‌ها و قرارداهای مختلف برای انواع معاملات و با برخی معیارهای فقهی از جمله حذف ربا همخوانی دارد؛ ولی گرایش به فاکتورهای صوری در تسهیلات (فروش اقساطی، مضاربه و...) به دلیل داشتن شبهه ربا، با اهداف اصلی بانکداری اسلامی و روح اسلام مطابقتی ندارد و بیشتر به شکل حیله‌های ربا تنها به دنبال حذف ظاهری معاملات ربوی است.

از سوی دیگر، شیوع مسئله صوری سازی و شروطی همچون شروط ضمن عقد یا صلح، به دلیل مغایرت با هدف شارع قابل توجیه نیست و شکل قرارداد نمی‌تواند به سلامت ماهیت عقود کمک کند؛ چنانچه در میان اندیشمندان معاصر نیز به مسئله تفاوت ماهیت بیع و ربا توجه شده است:

تعلیل دیگری که در روایات آمده است «**لما فیه من ترک التجارات: انَّهُ لَوْ کانَ الرِّبا حَلالا لَتَرَکَ النّاسُ التِّجاراتِ وَ ما یَحْتاجُونَ اِلَیْهِ فَحَرَّمَ اللهُ الرِّبا لِتَنْفِرَ**

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

النّاسُ مِنَ الْحَرامِ اِلَی الْحَلالِ وَ اِلَی التِّجاراتِ مِنَ الْبَیْعِ و الشِّراءِ فَیَبْقی ذلِکَ بَیْنَهُمْ فِی الْقَرْضِ» نیز حِیَل را تحریم می‌کند؛ زیرا واضح است که عمل تجارت ماهیتی دارد و عمل رباخواری ماهیتی دیگر و روشن است که تفاوت این دو عمل در ماهیت و حقیقت است، نه در صیغه فقط. فسادی که در رباخواری است، این است که رباخوار تجارت نمی‌کند ولو آن که صیغه بیع جاری کند (مطهری، بی‌تا، ۴ /۳۶۱).

در خصوص مشروعیت یا عدم مشروعیت حیل ربا، برخی رضایت طرفین و قصد آنها را در خصوص چنین قراردادی، کافی می‌دانند؛ به این نحو که اگر معامله‌ای به موجب فرار از ربا محقق می‌شود باید منظور از معامله (فرار از ربا) قصد دو طرف باشد؛ یعنی معنایی که حقیقت قرارداد را تشکیل می‌دهد باید فرض شود تا معامله از این نظر دارای اشکال نباشد.

«به منظور انعقاد یک قرارداد مشروع، لازم نیست دو طرف، قصد به معنای هدف را مد نظر داشته باشند و از این رو، صوری بودن اگرچه برای این معنا از قصد قابل تصور است، ولی این امر خللی در مشروعیت قراردادهای بانکی وارد نمی‌کند» (نیکزاد، ۱۳۹۳، ۸).

بنابراین توجه به خود عبارات آیه ۲۷۵ سوره بقره، ما را به رعایت مرز بین ربا و بیع و تفکیک آن دو فرامی‌خواند و امکان هرگونه فعالیت بینابین را از ما سلب می‌کند:

از آیه شریفه «**وَأَحَلَّ اللّهُ الْبَیْعَ وَحَرَّمَ الرِّبًا**» فهمیده می‌شود که ربا و بیع دو نوع عمل اقتصادی است که یکی را شارع تحریم کرده و دیگری را تحلیل فرموده است. بیع را خداوند حلال فرموده و ربا را حرام کرده است. صیغه، مبین نوع معامله است، یعنی مقام اثبات است؛ لذا اگر عملی حقیقتش ربا باشد و به صیغه بیع باشد، همان ربا است و حرام است. حِیَل نوع عمل اقتصادی را عوض نمی‌کند؛ بلکه شکل ظاهری آن را تغییر می‌دهد (همان).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

«عن علی علیه السلام: معاشر الناس! الفقه ثم المتجر و اللّه الربا فی هذه الاُمّه أخفی من دبیب النمل علی الصفا؛ ای مردم! اول فقه بیاموزید بعد تجارت کنید، قسم به خدا ربا در میان این امت پنهان‌تر از حرکت مورچه بر سنگ سیاه است» (مجلسی، ۱۰۳ /۱۱۷).

بنابراین برای در امان ماندن از حریم ربا، لازم است علاوه بر شکل قرارداد یا یک فعالیت اقتصادی، به ماهیت و تأثیر آن در سایر فعالیت‌های اقتصادی نیز توجه شود و پذیرش حیل ربا یا عملکردهای مترادف با آن، اگر از نظر شکلی با شرع مغایر نباشد از نظر مقاصد شریعت، قابل دفاع نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

با توجه به بحث‌های ارائه شده در خصوص کارکرد آیات ربا، مشخص است که فعالیت‌های اقتصادی معاصر، مغایر با اهداف اقتصادی و اجتماعی قرآن و سنت نیست و آیات ربا یا بهتر بگوییم مجموعه آیات ربا در کنار هم راهنمای ما در اقتصاد سالم و فعالیت‌های مالی- بانکی بدون ربا خواهند بود. اگر آیات ربا را جدای از هم در نظر گیریم، هر کدام از آیات بدون در نظر گرفتن مجموعه ذکر شده، خاستگاه تفکر و اندیشه‌ای خواهد بود که کارایی کافی برای حذف ربا از معاملات بانکی و مالی را نخواهد داشت و بیشتر به دفاع از روش‌های معمول (و حتی فعالیت‌هایی که شبهه ربا دارند) می‌انجامد؛ چنانچه با در نظر گرفتن آیه ۱۳۰ سوره آل عمران «**اَضعافاً مُضاعَفَة**» و بدون لحاظ نمودن سایر آیات تحریم مطلق ربا «**اَحلَّ اللهُ البیعَ وحَرَّمَ الربوا**»، ربای فاحش در مقابل ربای ناچیز به ذهن متبادر می‌شود. با در نظر گرفتن «**لا تَظلِمُونَ وَلا تُظلَمُونَ**» فقط مناط ظلم از تحریم ربا استنباط می‌شود که بدون مقایسه تفاوت‌های بیع با ربا (به عنوان یکی از علل اصلی تحریم ربا) به

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

نتیجه‌گیری نادرست خواهد انجامید. در تمسک یا رد هر یک از این نظریه‌ها، مفاهیم قرآنی و اصول تفسیر از جمله سیاق آیات ربا به همراه مستندات تاریخی که گویای نوع فعالیت‌های عصر نزول قرآن هستند، باید مورد توجه قرار گیرد. مجموعه آیات ربا، به همان اندازه که ما را از ربا نفی می‌کنند به راه حل مناسب در جهت معاملات سالم سوق می‌دهند.

منابع

۱. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، ۱۴۰۷، **البدایهٔ و النهایهٔ**، بیروت: دار الفکر.

۲. ابن منظور، محمد بن المکرم، ۱۴۰۵ق، **لسان العرب**، قم: نشر ادب حوزه.

۳. احمدوند، خلیل اله؛ توحیدی، محمد، ۱۳۹۴، «**سنجش میزان علیت ظالمانه بودن ربا در قرض‌های تولیدی و مصرفی**»، تحقیقات مالی- اسلامی: بهار و تابستان ۱۳۹۴، شماره ۸، صص۴۱- ۶۸.

۴. اسکندرلو، محمدجواد؛ اسمی قیهباشی، صمد، ۱۳۹۳، «**بررسی مقاله ربا در دائرهٔ المعارف قرآن لایدن**»، قرآن پژوهی خاورشناسان، پاییز و زمستان، شماره ۱۷، صص۸۹- ۱۱۰.

۵. بابایی، علی اکبر و دیگران، ۱۳۸۱ش، **مکاتب تفسیری**، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

۶. بیهقی، احمد بن حسین، ۱۴۰۵ق، **دلائل النبوه للبیهقی**، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۷. پاکتچی، احمد و دیگران، ۱۳۹۷، «**بازخوانی انگاره ربا در قرآن کریم با تکیه بر الگوهای انسان شناسی اقتصادی**»، مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۲، صص۶۱- ۹۲.

۸. حر عاملی، محمد بن الحسن، ۱۳۸۳، **تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه**، تهران: المکتبه الاسلامیه، چاپ دوم.

۹. حسن بن علی علیه السلام، امام یازدهم، ۱۴۰۹، **التفسیر المنسوب الی الامام ابی محمدالحسن بن علی العسکری**، تصحیح: محمدباقر ابطحی، قم: بی‌نا.

۱۰. خمینی، سید روح اله، ۱۴۱۵ق، **البیع**، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۱۱. راغب اصفهانی، ابوالقاسم، ۱۴۰۹، **المفردات فی غریب القرآن**، تهران: دارالفکر، چاپ اول.

۱۲. رشید رضا، محمد، ۱۳۴۶ق، **المنار فی تفسیر القرآن الحکیم**، مصر: نشر المنار.

۱۳. سیوطی، عبدالرحمان، ۱۴۰۴، **الدر المنثور فی تفسیر بالماثور**، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۱۴. شهید ثانی، زین الدین، ۱۴۱۳، **مسالک الافهام فی تنقیح شرایع الاسلام**، قم: مؤسسه معارف الاسلامیه، چاپ اول.

۱۵. صانعی، یوسف، ۱۳۸۳، **ربای تولیدی**، بی‌جا: نشر میثم تمار، چاپ اول.

۱۶. صدر، محمد باقر، بی‌تا، **دروس فی علم الاصول**، قم: نشر اسلامی.

۱۷. طباطبایی، سیدمحمد حسین، ۱۳۹۱، **المیزان فی تفسیر القرآن**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.

۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، **مجمع البیان**، تهران: انتشارات ناصرخسرو.

۱۹. طبری، محمدبن جریر، ۱۴۰۷ق، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دارالفکر.

۲۰. عاملی، حر، ۱۴۱۳، **وسایل الشیعه**، بیروت: موسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث العربی.

۲۱. فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۱۵ق، **تفسیر الصافی**، تهران: مکتبۀ الصدر.

۲۲. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷ق.، **التفسیر**، قم: دار الکتاب.

۲۳. کاشانی، سیدمحمود، ۱۳۷۶، **مجموعه مقالات هشتمین سمینار بانکداری اسلامی**، تهران: موسسه عالی بانکداری اسلامی.

۲۴. کریمی، محمود و دیگران، ۱۳۹۵، «**بازخوانی گزارۀ «إنما البیع مثل الربا» تحلیلی سه سطحی مبتنی بر زبان‌شناسی نقشگرا**»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، شماره ۱۰، صص۱- ۱۶.

۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۳ق، **روضه کافی**، لبنان: دارالاضواء.

۲۶. محقق حلی، جعفر بن حسن، ۱۴۱۵ق، **شرایع الاسلام فی مسایل الحلال والحرام**، تهران: انتشارات استقلال، چاپ چهارم.

۲۷. مصری، رفیق یونس، ۱۴۱۲، **الجامع فی اصول الربا**، بیروت: دار الشامیه، چاپ اول.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۲۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، **نظری به نظام اقتصادی اسلام**، بی‌جا: صدرا، چاپ هفتم.

۲۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵، **مسئله ربا**، قم: انتشارات صدرا، چاپ هفتم.

۳۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۲، **سلسله یادداشت‌ها**، بی‌جا: انتشارات صدرا، چاپ دوم.

۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش، **تفسیر نمونه**، قم: دارالکتب الاسلامیه.

۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۵، **بررسی طرق فرار از ربا**، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.

۳۳. موسویان، سید عباس، ۱۳۸۰، «**ثمرات فقهی- اقتصادی دفعی یا تدریجی بودن تحریم ربا در قرآن**»، اقتصاد اسلامی، شماره ۱، صص ۸۷ – ۱۰۹.

۳۴. موسویان، سید عباس، ۱۳۹۱، «**نقد دیدگاه‌های معاصر درباره ربا**»، کتاب نقد، شماره ۶۵ و ۶۶، صص۲۲۷- ۳۰۰.

۳۵. نجاشی، احمد بن علی، ۱۴۰۷ق، **الرجال**، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

۳۶. نقی پورفر، ولی الله؛ حاج خلیلی، رضا، ۱۳۹۰، «**گونه شناسی کارکرد سیاق در رفع ابهام از ظاهر آیات**»، کتاب قیم، شماره ۲، صص۹۹- ۱۲۴.

۳۷. نیکزاد، عباس، ۱۳۹۳، «**نقد و بررسی بازسازی برهان آنسلم**»، معرفت فلسفی، سال یازدهم، شماره چهارم، ص۸.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]